

# ما ابتدای خویش فراموش نکرده‌ایم!

علی اکبر قاسمی گل افشانی

سرگروه زبان و ادبیات فارسی سوادکوه، مازندران

## مقدمه

در کتاب «اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید» حکایتی بسیار آموزنده وجود دارد و آن، این است: «وقتی جولاهه‌ای (بافنده‌ای) به وزیری رسیده بود. هر روز بامداد برخاستی و کلید برداشتی و در خانه باز کردی و تنها در آنجا شدی و ساعتی در آنجا بودی، پس بیرون آمدی و پیش امیر شدی. امیر را خبر دادند که او چه می‌کند. امیر را هوس آن بگرفت که در آن خانه چیست. روزی، ناگاه، از پس وزیر بدان خانه درشد (وارد شد). گوی (گودالی) دید در آن خانه، چنان که از آن جولاهگان باشد. وزیر را دید پای بدان گو فرو کرده. امیر وی را گفت: «این چیست؟» وزیر گفت: «یا امیر، این همه دولت که هست از آن امیر است. ما ابتدای خویش فراموش نکرده‌ایم. ما این بوده‌ایم. هر روز خود را از خود یاد دهیم. تا در خود به غلط نیفتیم.» امیر انگشتی از انگشت بیرون کرد و گفت: «بگیر در انگشت کن. تا اکنون وزیر بودی؛ اکنون امیری.» (میهنی، ۱۳۷۶: ۲۵۳)

در این حکایت یک جمله کلیدی وجود دارد که «ما ابتدای خویش فراموش نکرده‌ایم». این جمله بسیار پندآموز است. ضروری است این جمله را قاب کنیم و در جایی مناسب در منزلمان نصب کنیم تا روزی ده‌ها بار آن را ببینیم و بخوانیم و درس بگیریم.

همیشه در کلاس‌ها به دانش‌آموزان گوشزد می‌کنم که هویت خودشان را فراموش نکنند؛ پدر و مادر خود را از یاد نبرند؛ به مردان سرزمین خود عشق بورزند. نام‌های دانش‌آموزان را همیشه با پسوندشان می‌خوانم تا زادگاهشان برای همیشه آویزه گوششان باشد. در کلاس‌ها به ضرورت و در جای مناسب، از زادگاهم - گل افشان (روستایی در بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر) - نیز برای آن‌ها می‌گویم تا یاد بگیرند که به زادگاه

خودشان وفادار بمانند. از استادانی که در کنار نام‌خانوادگی‌شان پسوند دارند، نظیر روان‌شاد استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نیز برای آن‌ها می‌گویم تا یاد بگیرند که نام‌خانوادگی خود را با پسوند بنویسند و با پسوند بخوانند. به آن‌ها می‌گویم من اولین بار پاریز را در پسوند نام روان‌شاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی دیده‌ام. این دکتر باستانی پاریزی بود که پاریز را به همگان معرفی کرد. شما هم به زادگاه خودتان افتخار کنید و درس بخوانید تا دیگران زادگاه شما را از طریق نام شما بشناسند.

وقتی در روزهای پایانی سال تحصیلی، دانش‌آموزان دفتر خاطراتشان را می‌آورند و می‌خواهند که چند سطر برای آن‌ها بنویسم. اغلب با شعری از ناصر خسرو آغاز می‌کنم که:

«درخت تو گر بار دانش بگیرد  
به زیر آوری چرخ نیلوفری را»  
(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

و با این نصیحت به پایان می‌برم که «هیچ‌وقت فراموش مکن:

۱. خدای خود را؛
۲. وطن خود را؛
۳. پدر و مادر خود را.»

در دبیرستان امام جعفر صادق (ع) پل سفید (از شهرهای سوادکوه) وقتی به پسوند ازاندهی رسیدم، به یاد استاد هنرمند موسیقی کلاسیک ایران، روان‌شاد حبیب‌الله بدیعی ازاندهی (۱۳۷۱-۱۳۱۲ شمسی) افتادم. ازانده روستایی است در منطقه پل سفید که روان‌شاد حبیب‌الله بدیعی ازاندهی، هنرمند برجسته ویلن و شاگرد روان‌شاد استاد ابوالحسن صبا، از آن برخاسته است. از دانش‌آموز ازاندهی درباره استاد بدیعی ازاندهی پرسیدم و او رفت و درباره استاد حبیب‌الله بدیعی ازاندهی تحقیق کرد و هفته بعد تحقیق خود را به بچه‌های کلاس ارائه داد. دانش‌آموزان کلاس هم خیلی خوشحال شدند؛ چرا که به آوازه و شهرت هم‌وطن خود پی بردند. برنامه گل‌ها (درکنار خوانندگانی چون روان‌شادان استاد غلامحسین بنان، استاد حسین قوامی و استاد محمدرضا شجریان)، عضو شورای موسیقی رادیو، ریاست اداره موسیقی رادیو و ... از افتخارات روان‌شاد استاد حبیب‌الله بدیعی ازاندهی است. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

گم‌گشته دیار محبت کجا رود  
نام حبیب هست و نشان حبیب نیست  
(هوشنگ ابتهاج)

## منابع

۱. میهنی، محمد. (۱۳۷۶). اسرارالتوحید فی مقامات شیخ‌ای سعید. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
۲. ناصر خسرو، حکیم ابومعین (۱۳۸۸). دیوان. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.

